

# بحران آموزشی جدید! آموزش منهای پرورش

آدمی را حل کند ولی نقش آن اساسی است .  
" جان فیشه " رئیس کالج تربیت معلم  
دانشگاه کلمبیا توصیه می کند که بیقراری فعلی  
چیزی جز حرکت بسوی تحول نیست و اضافه  
می کند :

ما در مراحل مقدماتی یک تعریف  
مجدد از مقاصد و وظایف آموزش و پرورش در  
جامعه خود هستیم ، قبل از اینکه کار به اتمام  
برسد ، ما بایستی نه تنها درباره کیفیت طرز  
کار موسسات آموزشی موجود ، تجدید نظر کنیم  
بلکه همچنین ، این مسئله را که چگونه تسهیلات  
آموزشی چه کهنه و چه نو می توانند به بهترین  
وجهی مورد استفاده قرار گیرد تا امکانات  
فردی را بالا برده و به میدان و مفهوم زندگی  
انسانی وسعت بخشد ، مورد تجدید نظر قرار  
دهیم ،

" ماری دولان " زیر عنوان " آموزش

شماره ۱۰ سال ۱۷

نقص فنی در فرهنگ امروز عدم  
زمینه های تربیتی و پرورشی است ، منظور از  
آموزش منهای پرورش ، این است که در فرهنگ  
جدید تنها آموزش ، هدف فرهنگی ، است و  
یا اگر پرورشی باشد تنها در اصطلاحات  
رایج و یا تابلوهای فرهنگی مشاهده می شود  
آنهم در تعقیب آموزش نظر ، آموزش و پرورش  
... و امروز این رده بندی غلط و سیستم  
ناقص باعث شده است که فرهنگ آموزشی بر  
ضد فرهنگ انسانی ، خطر ایجاد کند ، و آموزش  
به بحرانی ترین دوره خود برسد .

اصلاح طلبان و متخصصین آموزشی  
با توجه به بحران جدید آموزشی طرح های نو و  
تازه ای برای سیستم پرورش و آموزش عرضه  
داشته اند .

گروهی از متخصصین معتقدند که  
آموزش به تنهایی نمی تواند کلیه مشکلات عمیق

بلکه با ماهیت آن مخالفت دارد و می‌گوید: آینده نیاز به توده‌های روشنفکر ندارد، بلکه نیاز به توده‌های تحصیل کرده دارد، توده‌هایی که هم احساس داشته باشند و هم تفکر و عمل آ مسئله این نیست که از ۵ میلیون بی‌سواد و یا معادل همین تعداد از افراد کم‌سواد را بسویی راهنمایی کنیم، بلکه حقیقت این است که ما بتوانیم این افراد را توانا کنیم به این‌که تفکر کنند و تصمیم‌درستی بگیرند، تا نه تنها از شر نادانی بلکه از هر نوع بردگی رها شوند، و در کمال آگاهی و مسئولیت در جامعه شرکت کنند.

xxxxxx

امروز متأسفانه در آموزش و پرورش، هدف، مبارزه با بی‌سوادی است و این تنها و با چنین روالی کافی نیست امروز متخصصین و مسئولین آموزش و پرورش بخاطر حفظ موقعیت‌های اجتماعی و یا فشار سیاست‌های حاکم بر جامعه مانع آن شده‌اند که فکر صحیح و سالمی برای آموزش و پرورش داشته باشیم به همین جهت امروز با وجود فرهنگ سنتی، یا غربی، دیگر جایی برای خوب فکر کردن و

و پرورش یک نارضائی دائمی" شرح میدهد: در یک جامعه تکنولوژی پیشرفته، سیستم آموزش و پرورش نه تنها باید شاگردان را برای امرار معاش بلکه برای یک زندگی خلاق و انسانی مهیا سازد.

"سیدنی مارلند جوینز" نیز نظیر همین فکر را ارائه میدهد میگوید آموزش و پرورش باید راه‌های انسانیت را ارائه دهد تا بتواند جوایگوی نیازها، امیدها و علائق فرد باشد. "چارلز سیلبرمن" از منقدین میان‌رو مسائل آموزشی در انتقاد از مدارس فعلی میگوید مدرسه مکانی کسل‌کننده شده است و خالی از نشاط است و از لحاظ فکری بی‌فایده است.

"سیلبرمن"، از روش‌های آزاد کلاس درس سایر آموزش‌های غیر رسمی<sup>۱</sup>، نیسز طرفداری نمی‌کند و معتقد است اگر آموختن ناشی از علاقه باشد مفیدتر و موثرتر است. سیلبرمن، میگوید مدارس باید مراکز کاوش و تحقیقات انسانها گردد، نه فقط محل انتقال معلومات و اطلاعات یکطرفه... وی مخالف آموزش همگانی نیست،

۱- آموزش‌های غیر رسمی، روشی است که بوسیله آن توسعه و رشد فکری کودک را در نظر میگیرند. و برای زندگی در یک دنیای متحول آماده میسازند در این سیستم سعی می‌شود تا کودک خود مستقلاً مطالب را یاد بگیرد و انضباط و اعتماد بنفس داشته باشد، آموزش غیر رسمی حس کنجکاوی کودک را نیز توسعه میدهد و عشق به دانش‌آموزی را در او بیدار می‌کند.

۲- مرزهای نو شماره دوره هیجدهم

خوب شدن نیست و هر چه زودتر باید برای

رفع این گونه موانع و نقصانها فکری کرد .

"گوشن استاپنر" مربی بزرگ قرن

بیستم ، که هدف آموزش و پرورش را ، فرهیختن

آدمی "میداند ضمن تفکیک فرهنگ به دونوع :

راکد و " نیرو " زا " استاتیک " و " دینامیک "

تربیت حقیقی را تربیتی میداند که در شخص

بجای انتقال میراث گذشته ، حال فرهنگی

ایجاد کند ، یعنی اندیشه را به پروراند ، نه

آنکه مغز او را از تجارب گذشته انباشته سازد .

بنابراین مقصود از آموزش فرهنگی

نخست ایجاد زمینه‌ای برای پاکسازی و پرورش

سالم خواهد بود .

در سیستم جدید آموزشی این مسئله

در کشورهای پیشرفته و عقب مانده به یک صورت

است با دوسو نتیجه صورت اول که مشترک

است منظور انتخاب روشهای آموزشی تنها

بخطای یادگیری و بهره برداری ...

xxx

صورت دوم ، نفوذ سیاستهای

استعماری بطور مستقیم و غیر مستقیم در عنوان

توسعه امور فرهنگی یا ایجاد روابط فرهنگی و

انجمنهای وابسته که این امر بیشتر در

کشورهای در حال توسعه ( عقب نگه داشته شده )

بوجود آمده است ، و سواد آموزی و هرگونه

آموزش دیگر چه در سطح ابتدائی و چه عالی

با چنین شرایطی نتایج منفی و معکوس ایجاد کرده است .

البته کلیه کمکها و طرحهای مورد نظر

در اینگونه امور فرهنگی زیرکانه ، غیر انسانی

بوده است .

راههای ویژه کمک فرهنگی غرب ،

متنوع و متعدد است ، و از این لحاظ که

زمینه‌های مورد نظر وسیع و گوناگون است ،

نظارت و هشیاری نسبت به اغراض مستور در

پس پرده‌های این کمکها نیز شایان توجه است .

واز طرف همین مجامع کنفرانسهای

اساسی بین المللی و منطقه‌ای متعددی تدارک

دیده شده است ، و مراکز بشماری بسزای

تحقیق در این زمینه تشکیل شده و تلاش بی-

گیری در زمینه مسائلی نظیر : بیکسار با

بی سوادی از طرف این مجامع اعمال گردیده

است ، گرچه ظاهر همه این تلاشها حاکی از

یک کیفیت صرفا انسان دوستانه و فرهنگ -

پرورانه است . ولی تحلیل واقعیات و نتایج

ذاتی مستور در دل چنین کمکها اغراض

استعماری آنها را می نمایاند .<sup>۳</sup>

"چرسلوکوپسی ویچ" یکی از پیشگامان

نوسازی آموزشی اعلام داشته است

$\frac{1}{4}$  کودکانی که امروز در دبستان

هستند در آینده به کارهایی اشتغال خواهند

داشت که هنوز وجود خارجی ندارد . بنابراین

ادامه برنامه موجود ، کار بی بهره و عبثی است .

ما چگونه می توانیم این کودکان را

۳- بحر آنها و امکانات تعلیم و تربیت در کشورهای جهان سوم ، چاپ دوم ص ۲۷

فکر کودک که در صدد یاد گرفتن و کنجکاوی است موجب می شود که کودک به عالی ترین وجهی درسهای خود را یاد بگیرد، و بالاتر از همه اینها، ما احتیاج به مدارسی خواهیم داشت که دارای جرئت و قدرت لازم برای سعی و کوشش و آزمایشها و تجربیات بوده و نسبت به این وظیفه بزرگ آگاهی کامل داشته باشند که دانش عبارت است از مجموعهٔ فعالیت‌های مربوط به آزمایش و کوشش و تغییر... هر قدر خدومات مدرسه از لحاظ کیفیت بهتر باشد موفقیت نیز در سطح بالا تری خواهد بود، نمی توان تردید داشت که مدارس اثری دارند که جدا از محیط اجتماعی طفل می باشد و عبارت دیگر مدارس تاثیر مسلم روی طفل دارند.<sup>۵</sup>

### پرورش و آموزش، یا آموزش و پرورش

در اینکه پرورش و آموزش کدام مقدمند و آیا لزوم هر دو احساس می شود، یا تنها یکی از آنها، نظریات مختلف است، ولی آنچه از پژوهشهای محققین مشخص شده است این است که نیاز به آموزش و پرورش هر دو است ولی قبل از آموزش به پرورشهای مختلفی نیازمندیم زیرا فقدان پرورش سالم وضع آموزش را هر چند هم که در سطح عالی باشد دگرگون خواهد ساخت و دانش و هرگونه آموزش علمی به زیان او خواهد بود چنانکه

بقیه در صفحه ۳۴

۶۲۴

برای مشاغل تربیت کنیم که درباره آنها کوچکترین اطلاعی ندارند...؟ باید به کودکان بیاوریم که بیا موزند و افراد را چنان تربیت کنیم که بتوانند شخصا استدلال و استنتاج کنند، مبتکر باشند و تازگیهای جهان را بپذیرند.

دانشمند مزبور، معتقد است که کار آموزشی، بایستی از سنین خردسالی یعنی از شیرخوارگاه آغاز شود، و هرگز قطع نگردد، در تمام رشته‌ها باید دوره‌های کارآموزی پیش بینی شود.<sup>۴</sup>

دکتر مور، نیز از کسانی است که در مورد آموزش خردسالان تحقیق کرده است. از نظریات مور، این است که باید برای آموزش، محیطی ایجاد کرد تا انگیزه باطنی کودک برای یاد گرفتن و تجسم وزمینه محیط در ذهن او برای یک منظور مفید و ایجاد فعالیت فکری مورد استفاده قرار گیرد.

بعقیده وی: در سنین اولیه کودک می توان این زمینه ذهنی کامل را برای یاد گرفتن آماده کرد طوری که کودک بتواند با رضایت خاطر و از روی میل یاد بگیرد و قوه ابتکار او تقویت گردد، و بخاطر خوشحالی که از فهم و درک مطالب برای او حاصل می شود به تحصیل علاقه مند شود.

"فرانسیس که پل"، معتقد است که استعداد و توانائی معلم برای تقویت و تحریک

۴- جامعه شناسی پرورشی، ص ۳  
۵- مرزهای نو، شماره هشتم، دوره هجدهم